

دکتر تد هیلدبرانت، تاریخ عهد جدید، ادبیات، و الهیات، سخنرانی ۵

© 2020، دکتر تد هیلدبرانت

این دکتر تد هیلدبرانت در سخنرانی شماره پنج، در دوره تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق است. سخنرانی امروز در مورد فصل اول پیدایش خواهد بود، در مورد آیات 1:1 و 2:1، و سپس، بحثی در مورد روزهای پیدایش خواهد بود.

A. پیش نمایش مسابقه [2:29-0:0]

چند چیز برای هفته آینده. شما بچه ها هفته آینده روی حدس بزنید کدام کتاب کار می کنید؟ مهاجرت. فکر می کنید باید کل خروج را بخوانید؟ [دانش آموز: بله!] ببینید، انرژی وجود دارد. او برای همه چیز می رود. در واقع، من امسال کاهش دادم. وقتی خروج را می خوانید فقط فصل های انتخابی وجود دارد. این بیست فصل اول است، موسی و مصر، شما باید آن را بخوانید. اما هنگامی که به جایی که خیمه است می رسید، من مقداری از خواندن در خیمه را کاهش دادم، زیرا صادقانه بگویم، دو بار از آن عبور می کند. سپس همه این جزئیات در مورد نحوه ساخت خیمه است. ما فقط می خواهیم فصل های منتخب آن را بخوانیم. به برنامه درسی نگاه کنید. کدام فصل ها را مشخص می کند. سپس داستان های آن فصل ها را بدانید و ما از آنجا پیش خواهیم رفت. مقاله ای در مورد "داماد خونین" وجود خواهد داشت. چند بار سریع بگویید "داماد خونین". وقتی آن را در متن می خوانید، سوالاتی در این مورد خواهید داشت. و بنابراین مقاله ای در این مورد وجود دارد. فکر می کنم برخی از آیات خاطره نیز وجود دارد. بنابراین این یک تکلیف عادی خواهد بود. داستان ها را بشناسید. بدون کتاب مقدس، برای خروج. بدون کتاب مقدس، من هنوز آن را توسعه نداده ام. فکر می کنم ممکن است امسال سعی کنم آن را برای Exodus توسعه دهم و سپس رونویسی های شما وجود دارد. رونوشت های شما از ویراستاران شما باید امروز به صورت ایمیل برای من ارسال شود و سپس ما این کار را تمام می کنیم. بنابراین اساسا روی خروج تمرکز کنید. نکته دیگر پرداخت هزینه مطالب دوره است. برخی از شما هنوز پول خود را تحویل نداده اید. فکر می کنم فردا آخرین روز است و بعد بالا می رود. لطفا پرداخت خود را به من بدهید، یا امروز یا من فردا صبح از ساعت نه تا دو در دفترم خواهم بود. مطمئن شوید که آن را به آنجا می رسانید، زیرا بعد از فردا، دو برابر می شود. من نمی خواهم شما بچه ها را تعقیب کنم، بنابراین از بدهی هایتان مراقبت کنید.

B. بررسی: الهام، تقدیس کردن، انتقال، ترجمه [4:52-2:30]

بیا شروع کنیم. ما امروز مطالب زیادی برای اجرا داریم. ما می خواهیم با پیدایش 1:1 شروع کنیم و در واقع امروز کار با متن را شروع کنیم. تا کنون در این کلاس، ما در مورد الهام صد در صد صحبت کرده ایم، خدا با پیامبران صحبت می کند. ما در مورد تقدیس صحبت کردیم، مجموعه ای از آن کتاب ها در کلام خدا. سپس ما

در مورد انتقال صحبت کردیم، یعنی کپی کردن نوشتاری. مشکلاتی در آنجا وجود داشته است. در ترجمه نیز مشکلاتی وجود داشته است. بنابراین الهام، تقدیس، انتقال و ترجمه. اکنون به پیدایش 1:1 می‌رسیم. بنابراین ما امروز را با "در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید" شروع می‌کنیم. سپس می‌خواهیم ببینیم که در آیه دوم چیست و چگونه پیدایش 1:1 با پیدایش 2:1 ارتباط برقرار می‌کند. "در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید." آیا کتاب مقدس موافق است که آغازی وجود دارد؟ بله. برخی از فرهنگ‌ها به نوعی زمین را بارها و بارها از طریق این چرخه‌ها طی می‌کنند. کتاب مقدس این کار را نمی‌کند. آیا آغازی در کتاب مقدس وجود دارد و آیا پایانی دارد؟ بله. بنابراین این بدان معناست که همه چیز در یک جهت حرکت می‌کند. یک آغاز وجود دارد، یک پایان وجود دارد. این بدان معناست که جهت، هدف، معنا و چیزهایی از این قبیل وجود دارد. همه اینها مانند فیلم Ground Hog's Day بارها و بارها چرخه نمی‌شوند. بنابراین، "در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید." حالا، آیه بعدی چیست؟ اینجاست که قسمت پیچیده وارد می‌شود. "و زمین بی‌شکل و خالی بود." چه نسبتی بین این آیه و «در ابتدا، خداوند آسمانها و زمین را آفرید» وجود دارد؟ چه رابطه‌ای با آن و با "زمین بی‌شکل و خالی بود و تاریکی چهره اعماق را پوشانده بود. روح خدا بر فراز آنها معلق بود. و سپس خدا گفت، نور باشد و نور باشد؟" بنابراین چه رابطه‌ای بین پیدایش 1:1 و 2:1 وجود دارد؟ اساساً سه موضع در این مورد وجود دارد. ما این سه روش مختلف را برای بررسی رابطه این دو آیه مرور خواهیم کرد و خواهیم دید که چگونه بر چیزها تأثیر می‌گذارد. سه روش مختلف برای نگاه کردن به این چیست و کدام نماها اجازه می‌دهد زمین میلیاردها سال قدمت داشته باشد؟ آیا زمین میلیاردها سال قدمت دارد یا زمین فقط ده‌ها هزار سال قدمت دارد؟ بحث بزرگی در مورد سن زمین وجود دارد. بنابراین ارتباط بین این آیات به برخی افراد اجازه می‌دهد تا گزینه‌های مختلفی را بیان کنند.

C. پیدایش 1:1 و 2:1: نظریه شکاف [6:50-4:53]

حالا، این دیدگاه اول "نظریه شکاف" نامیده می‌شود. این "نظریه شکاف" است که توسط آن برگزار شد - آیا کسی تا به حال نام کتاب مقدس مرجع اسکافیلد را از فیلادلفیا شنیده است؟ آیا کسی اهل فیلادلفیا است؟ کتاب مقدس مرجع اسکافیلد، کالج کتاب مقدس فیلادلفیا، که اکنون دانشگاه کتاب مقدس فیلادلفیا نامیده می‌شود، یا هر چیز دیگری - این دیدگاه را داشت. نظریه شکاف اینگونه می‌خواند: "در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید." بنابراین یک "وام بام" اولیه وجود داشت. خدا چیزها را آفرید. "در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید." پس از آن، زمین تاریکی و خالی، بی‌شکل و خالی شد. وقتی خدا در ابتدا چیزها را آفرید، آیا آنها را نیکو کرد؟ نور وجود داشت، اما سپس تاریکی، بی‌شکل و خالی شد. آنچه نظریه شکاف نشان می‌دهد این است که این زمانی است که شیطان به زمین افتاد. شیطان یک فرشته نور است که در پیدایش ۱:۲ به زمین افکنده شد. به همین دلیل است که دوره تاریکی است و این زمانی است که شیطان دایناسورها را ساخت. اینجاست که دایناسورها در آن

قرار می گیرند. شیطان خالق دایناسورها، هرج و مرج روی زمین و این قبیل چیزها است. بنابراین در آغاز، خدا آسمان ها و زمین را آفرید. سپس شیطان به زمین افکنده می شود. سپس شیطان کار خود را بر روی زمین انجام می دهد. سپس آنچه شما دارید بعد از اینکه شیطان کار خود را انجام داد، خدا می گوید، "بگذار نور باشد" و نور وجود دارد. سپس هفت روز خلقت را دارید. اما هفت روز خلقت در واقع هفت روز از چه چیزی است؟ تفریح. برای این دیدگاه، هفت روز خلقت خدا در حال اصلاح و بازآفرینی آنچه شیطان به هم ریخته بود، است. بنابراین به این نظریه شکاف می گویند. آیا می دانید چرا به آن نظریه شکاف می گویند؟ چون شما خدا را در اینجا آفریده اید (پیدایش 1: 1) - شکافی وجود دارد که در آن شیطان وارد می شود و هرج و مرج وارد می شود، بی شکل و خالی (پیدایش 1: 2) - و سپس در اینجا خدا دوباره شروع می کند (پیدایش 1: 3) با "بگذار نور باشد." خب این آیه دوم است، جایی که یک شکاف وجود دارد.

D. تجزیه و تحلیل نظریه شکاف [11:57-6:51]

اکنون دلایلی برای حمایت از تئوری شکاف وجود دارد و اجازه دهید چند دلیل را در اینجا مرور کنیم - مزایا و معایب نظریه شکاف. کلمه عبری *حیا*، که فعل "بودن" یا "شدن" است. کلمه عبری *حیا* به معنای "هست" یا "شدن" است. این می تواند به معنای یکی باشد، و بنابراین این افراد می گویند که *حیا* به معنای "شدن" است. بنابراین زمین بی شکل و خالی شد. خدا در ابتدا آن را نیکو کرد، و سپس زمین شد [*حیا*] بی شکل و خالی. هوا تاریک شد. خدا در ابتدا آن را سبک ساخته بود. او آن را ساخت، و شد. بنابراین این کلمه "شدن" می گوید که شیطان نازل شد و آنچه را که خدا در ابتدا آفریده بود منحرف کرد. این روشن می کند - آیا تا به حال به این فکر کرده اید که شیطان چه زمانی بد شد؟ به هر حال، آیا شیطان در پیدایش فصل سوم با مار و همه این چیزها ظاهر می شود؟ بنابراین او در فصل سوم روی زمین است، چه زمانی واقعا بد شد؟ پس این به شیطان جایگاهی می دهد، با این نظریه شکاف. آنها می گویند وقتی شیطان به زمین انداخته شد، زمین بی شکل و خالی شد (پیدایش فصل 1 آیه 2). او فرشته ای از نور بود که در این دوره زمانی به زمین انداخته شد. چند متنی که مردم برای حمایت از این موضوع استفاده می کنند، اشعیا ۱۴ و حزقیال ۲۸ هستند - آنها کمی در مورد حرفه شیطان به ما می گویند. آیا 14 بسیار مشکوک است، حزقیال 28 ممکن است شانس بهتری در آن داشته باشد. اما برای روشن شدن کار اولیه شیطان، *تو هو و-وو-هو*. این توفو نیست، این توفو است *تو هو و وو هو*، و این به معنای "بی شکل و خالی" است. اساسا بی شکل است، و من فکر می کنم نسخه کینگ جیمز می گوید "خالی" یا چیزی شبیه به آن. این "بی شکل و خالی" است. "و زمین بی شکل و خالی شد،" *تو هو و-وو-هو*. افرادی که نظریه شکاف را در دست دارند به ارمیا 4: 23 می پرند، و می گویند، "هی، یک بیانیه وجود دارد *تو هو و وو هو*، "بی شکل و خالی." در ارمیا به عنوان داوری در مورد گناه استفاده می شود. بنابراین با شیطان و داوری گناه او پیوند می خورد. این به دایناسورهای بیچاره ای که باید جایی برای رفتن داشته باشند می دهد. بنابراین این آنها را وارد می

کند. شیطان کار خود را انجام می دهد، دایناسورها می سازد. آیا شیطان اغلب کارهای خدا را تکرار می کند؟ بنابراین اکنون خدا می خواهد چیزهایی را خلق کند تا شیطان سعی کند با ساختن چیزها به هم بزند. آنها بزرگ هستند و دندان دارند و مردم را می خورند. خب در واقع، هیچ مردمی وجود نداشت، پس تمام. حالا، در اینجا چند نکته منفی در مورد تئوری شکاف وجود دارد. ارمیا 4: 23 تا 4: 26، در واقع به *to-hu va-vo-hu* "بی شکل و خالی"، اما در ارمیا داوری در مورد گناه است. اما آیا در پیدایش 1 اشاره ای به گناه شده است؟ آیا در پیدایش فصل دوم اشاره ای به گناه شده است؟ گناه وارد می شود، در فصل پیدایش چه چیزی؟ 3، با مار. پس این افراد در تئوری شکاف چه می کنند، آیا گناه را به آن زمینه می خوانند؟ آیا گناهی در زمینه فصل های یک و دو وجود دارد؟ نه. بنابراین این یک فرافکنی است که آنها این موضوع را پس می گیرند، و سوال این است که به نظر می رسد خارج از متن است زیرا در پیدایش 1 هیچ اشاره ای به گناه نشده است. به نظر می رسد چیزی را به متن می کشد که نباید وجود داشته باشد. آیا شیطان در پیدایش 1 یا 2 مهم است؟ آیا واقعا شیطان مهم است؟ آیا شیطان در جایی ذکر شده است؟ نه. حتی زمانی که او در لباس مار ظاهر می شود، آیا واقعا از او به عنوان شیطان یاد می شود یا به عنوان یک مار که صحبت می کند؟ مار. ما یاد می گیریم که اژدهای مار پیر از کتاب مکاشفه که به ما می گوید مار شیطان بوده است. اما شما باید با آن کار کنید. پس شیطان نکته ای نیست. آنها شیطان را در پیدایش فصل 1 آیه 2 قرار دادند. دوباره خارج از متن به نظر می رسد. هیچ زمینه ای برای آن وجود ندارد. کلمه "تاریکی شد" باید مانند تمام ترجمه های مدرن شما خوانده شود: "بود". "زمین بی شکل و خالی بود." زمین بی شکل و خالی نشد، زمین "بود". "در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید و زمین بی شکل و خالی بود." حالا، آیا این منطقی است؟ آیا تئوری شکاف اجازه زمین قدیمی را می دهد؟ با نظریه شکاف، آیا ممکن است شیطان برای چند میلیارد سال در اینجا به هم ریخته باشد؟ بله. بنابراین ممکن است. تئوری شکاف اجازه می دهد تا یک زمین قدیمی وجود داشته باشد. آیا تئوری شکاف واقعا جایی برای دایناسورها می دهد؟ بله، همینطور است. بنابراین این نظریه در دهه 1950 یا 1960 مطرح شد، و توسط کتاب مقدس اسکوفیلد مطرح شد. پدرم این نظریه را داشت.

E. پیدایش 1: 1 و 1: 2: نظریه بند وابسته [13:59-11:58]

حال، در اینجا راه دیگری برای بررسی رابطه بین پیدایش 1: 1 و پیدایش 1: 2 آورده شده است. ببینید که پیدایش در برخی از ترجمه های شما چگونه ترجمه شده است. من فکر می کنم RSV قدیمی، آن را اینگونه ترجمه می کند: پیدایش 1: 1. پیدایش فصل 1 آیه 1 چگونه در ذهن شما شروع می شود؟ "در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید،" درست است؟ در اینجا برخی از مردم [RSV] این آیه اول را ترجمه می کنند: "هنگامی که خدا شروع به خلقت کرد، زمین بی شکل و خالی بود و تاریکی بر روی اعماق بود." آیا این معنی را تغییر می دهد؟ وقتی خدا شروع به خلقت کرد، زمین بی شکل و خالی بود.» آیا این متفاوت است؟ این آیه چه چیزی را فرض می کند؟ زمین از قبل آنجا بود و خدا فقط برای شکل دادن و شکل دادن به آسمانها و زمین نازل شد. حالا، به هر

حال، آیا این با روشی که معمولاً آن را می خوانید متفاوت است؟ "در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید." این دیدگاه نمای بند وابستگی نامیده می شود. آنچه می گوید این است که آیه اول وابسته به آیه دوم است. وقتی خدا شروع به خلقت کرد، زمین بی شکل و خالی بود. «وقتی او شروع به خلقت کرد، زمین از قبل آنجا بود. آیا این چیزی است که کتاب مقدس می گوید؟ زمین فقط آنجا بود و خدا آن را شکل داد. پس این دیدگاه است: "وقتی خدا شروع به آفرینش زمین کرد، بی شکل بود و خدا گفت: نور باشد." پس فرض بر این است که چه چیزی پیش روی خدا قرار می گیرد؟ زمین در حال حاضر وجود دارد. بنابراین آسمان ها و زمین جاودانه هستند، همانطور که خدا است. خدا فقط آسمانها و زمین را شکل می دهد. این دیدگاهی است که توسط این دیدگاه بند وابسته وجود دارد.

F. تجزیه و تحلیل نمای بند وابسته [14:44-14:00]

بنابراین، صادقانه بگویم، من با این دیدگاه مشکل دارم. این چگونه معنای متن را تغییر می دهد؟ خب، کاری که انجام می دهد این است که می گوید سه چیز ابدی هستند، نه فقط خدا. خداوند آسمانها و زمین را نیافریده است، این نیست که خدا سخن بگوید و آنها به وجود بیایند. آنها در حال حاضر آنجا هستند. خدا فقط آنها را شکل می دهد و شکل می دهد. بنابراین، این دیدگاه کاملاً متفاوت است. مشکلات این دیدگاه چیست؟ من فکر می کنم این چیزی است که ما در اینجا به آن اشاره کرده ایم: می گوید که سه چیز ابدی هستند: ماده، انرژی و خدا. خدا فقط با ماده و انرژی کار می کند. ماده و انرژی از قبل وجود داشته اند و خدا فقط آنها را شکل می دهد. من فکر می کنم این یک مشکل است - فکر نمی کنم این چیزی باشد که کتاب مقدس می گوید. اما این چیزی است که RSV گفت.

G. پیدایش 1:1 و 2:1: نمای بند مستقل [20:25-14:45]

اکنون، در اینجا نمای بند مستقل است. ما نظریه شکاف را داشتیم - بین پیدایش 1 و 2 فاصله وجود دارد، شیطان درگیر است. دیدگاه بند وابسته می گوید که زمین از قبل وجود دارد و خدا فقط آن را شکل داده است. بی شکل و خالی بود و خدا فقط آن را شکل داد و پر کرد. نمای بند مستقل به این صورت است. یک خلقت اولیه وجود دارد. "در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید." Wham bam - خدا آسمانها و زمین را آفرید. این به نوعی مانند یک عنوان خلاصه است، این یک بند مستقل خلاصه است که عمل اولیه خلقت را خلاصه می کند. "در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید." این بند مستقل به خودی خود پابرجاست. آیه دوم یک جمله ضمنی منفی است. می گوید، وقتی خدا آسمان ها و زمین را آفرید، در ابتدا چگونه بود؟ بی شکل و خالی بود. وقتی خدا در ابتدا آن را آفرید، آیا آن را «بی شکل و خالی و تاریکی بر روی اعماق و روح خدا بر فراز آب معلق بود» ساخت؟ حال، وقتی خدا زمین را آفرید، آیا آن را کامل کرد یا ناگهان فقط وام بم و همه چیز آنجا بود. همه حیوانات آنجا بودند. آیا او فقط به وام بم رفت و همه چیز آنجا بود؟ آیا او برای تشکیل و پر کردن آن وقت گذاشت؟ بنابراین وقتی او در ابتدا آن را ساخت، بی شکل و خالی بود. سپس در هفت روز خلقت، او می خواهد آن را شکل دهد، او آن را شکل می دهد،

و او می خواهد آن را پر کند. بنابراین این یک منفی است - توجه کنید که این یک چیز منفی است. او در ابتدا آسمانها و زمین را آفرید و آنها بی شکل و خالی بودند. او چگونه به بی شکلی و پوچی پاسخ می دهد؟ او آن را شکل می دهد و آن را پر می کند. سپس بند اصلی این است: "خدا گفت، نور باشد و نور بود،" در پیدایش 1: 3. پس شما بند اصلی را دارید. بنابراین این نوعی جریان آن است. شما می گوئید، "هیلدبرانند، شما این دیدگاه را دارید، چرا این دیدگاه را نسبت به دیگران دارید؟" خوب، آیا نویسندگان با سبک خاصی می نویسند؟ آیا سبک ادبی خاصی دارید؟ اگر من احتمالاً یک سند ده یا بیست صفحه ای را که شما نوشته اید بخوانم و شما یک سند دیگر را به من بدهید. آیا می توانم بگویم که توسط شما نوشته شده است یا نه؟ بله، فکر می کنم می توانم برای بسیاری از مردم بگویم. برخی از مردم نه، اما من می توانم برای بسیاری از مردم بگویم. مردم با سبک خاصی می نویسند. موسی یک مثال کلاسیک از نحوه عملکرد آن است: «در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید، زمین بی شکل و خالی بود، و سپس «نور و نور باشد»». بنابراین این یک بند مستقل است، یک بند ضمنی منفی، و سپس بند اصلی. این به نوعی ساختار آن است. نمای بند مستقل، موسی چگونه می نویسد؟ حال، چگونه بفهمم موسی چگونه می نویسد؟ نمی دانم، اما کتاب پیدایش را دارم که ادعا می کند توسط موسی نوشته شده است، بنابراین به فصل بعدی نگاه می کنم. حدس بزنید در فصل بعدی چه چیزی پیدا می کنم؟ با شروع آیه 4، در فصل 2، شما می توانید این را داشته باشید، "این است حساب آسمانها و زمین زمانی که آنها آفریده شدند." این به نوعی مانند یک بیانیه خلاصه است - "این حساب آسمانها و زمین است که آفریده شدند." پس آیه بعدی چه می گوید؟ می گوید، "وقتی خداوند زمین و آسمان را آفرید، هیچ درختچه ای در مزرعه نبود (که هنوز بر روی زمین ظاهر شده بود)، هیچ گیاهی در مزرعه نبود و خدا باران نفرستاده بود." آیا همه آن چیزهای منفی هستند که خدا هنوز انجام نداده بود؟ بدون درختچه ها، نه گیاهان و نه باران. بنابراین شما این بند ضمنی منفی را دریافت می کنید که می گوید نه گیاه وجود دارد، نه درختچه و نه باران. همه این چیزهای منفی را که وجود ندارد به شما می گوید. سپس بند اصلی را بزنید. بند اصلی در فصل 2 آیه 7 آمده است، "خداوند خدا انسان را از خاک زمین آفرید." فصل اول چه تفاوتی با فصل دوم دارد؟ در فصل اول، آیا خدا با آسمانها و جدایی آبهای بالا و پایین کار می کند؟ این در مورد جهان است، در مورد جهان است. در فصل دوم تمرکز بر انسان. بنابراین چیزی که شما دارید این تضاد بین فصل اول (که هفت روز و خلقت جهان است) و فصل دوم است. در فصل دوم، او می گوید، "من اکنون می خواهم روی آدم و حوا تمرکز کنم،" و بنابراین او آن را با جزئیات بیشتری توسعه می دهد. او در فصل اول به آدم و حوا اشاره کرد، اما اکنون به جزئیات بیشتری در مورد چگونگی شکل گیری و شکل دادن به آدم و چگونگی شکل دادن به حوا می پردازد. بنابراین این بند مستقل، بند ضمنی منفی و دنباله بند اصلی دقیقاً همان ساختاری است که او در فصل اول استفاده کرد؟ بله. بنابراین چیزی که من پیشنهاد می کنم این است که این ساختار در فصل دوم به ما کمک می کند تا بفهمیم فصل اول چگونه باید درک شود. آیا این منطقی است؟ من سعی می کنم از موسی برای

درک موسی استفاده کنم. به هر حال، این روشی است که من سعی می‌کنم از آن استفاده کنم و فکر می‌کنم در اینجا بسیار خوب کار می‌کند. به هر حال، باید در مورد تئوری شکاف بگویم که هیچ دیگر نظریه شکاف را ندارد، اتفاقاً پدرم مرده است (من این را به شوخی نمی‌گویم) اما اکثر افرادی که نظریه شکاف را داشتند نیز همینطور هستند. بی اعتبار شده است. مردی به نام وستون فیلدز بود، او یکی از دوستان من بود، که یک کتاب دویست صفحه‌ای نوشت که تئوری شکاف را نابود کرد. وستون اساساً آن را آرام کرد. هیچ دیگر آن را نگه نمی‌دارد. همچنین دستور زبان، با دستور زبان عبری مطابقت ندارد. این با ساختار ادبی که موسی استفاده می‌کند در تضاد است و به هر حال، در مورد شیطان به ما کمک نمی‌کند. شیطان در پیدایش 1 یا 2 نیست. الگوهای ادبی را دنبال کنید.

ح. متون آفرینش خارج از پیدایش: مزامیر ۱۹ [21:55-20:26]

حال، آیا خلقت برای وجود خدا استدلال می‌کند؟ علاوه بر پیدایش فصل 1، متون زیبایی در کتاب مقدس وجود دارد که در مورد خلقت صحبت می‌کند. من می‌خواهم چند تا از آنها را به شما نشان دهم. یکی از آنها فصل نوزدهم در کتاب مزامیر است. مزامیر فصل نوزدهم چیزی شبیه به این می‌گوید: «آسمانها جلال خدا را اعلام می‌کنند. آسمان کار دستی او را نشان می‌دهد. آنها روز به روز سخن می‌ریزند. شب به شب دانش می‌دهند.» به عبارت دیگر، آسمانها جلال خدا را اعلام می‌کنند. اگر شما مانند دکتر پری فیلیپس بودید، که دیروز آن سخنرانی را در مورد بیگ بنگ ایراد کرد، او یک ستاره شناس است، آیا می‌توانید از نجوم برای نگاه کردن به جهان و دیدن کار خدا استفاده کنید؟ آیا نجوم جلال خدا را اعلام می‌کند؟ به عبارت دیگر، شما کلام خدا را در اینجا دارید. این کتاب مقدس است. این کلام خداست. آیا می‌توانیم چیزی در مورد خدا از کلام او بگوئیم؟ بله. آیا این صریح ترین است؟ خدا به ما گفته است که او در اینجا چگونه است. آیا می‌توانید به کارهای خدا نگاه کنید و چیزی در مورد او بگوئید؟ شما کلام خدا را دارید (که بی عیب و نقص و کامل است). شما کلام او را دریافت کرده اید و از طریق الهام به پیامبران داده شده است، اما شما کار خدا را نیز دارید. بنابراین کار خدا در خلقت دیده می‌شود، بنابراین می‌توانید چیزی در مورد خدا از خلقت بیاموزید. "آسمانها جلال خدا را اعلام می‌کنند." بنابراین مزامیر فصل 19 در این مورد مفید است، از نظر دیدن کار خدا.

I. مدرنیته و معجزات [26:28-21:56]

حالا، مدرنیته، در نسل من این افراد اساساً می‌گفتند که جهان منطقی و طبیعی است. جایی برای خدا وجود ندارد. جایی برای خدا وجود ندارد زیرا همه چیز را می‌توان با علت و معلول توضیح داد. این یک سیستم بسته بود. جهان یک سیستم بسته است که با علت و معلول توضیح داده می‌شود. هیچ معجزه‌ای وجود ندارد. خدا نمی‌تواند در مکان و زمان واقعی عمل کند. هیچ معجزه‌ای وجود ندارد. معجزه نمی‌تواند وجود داشته باشد. همه چیز به دلایل طبیعی است و بنابراین معجزه وجود ندارد. همه چیز از قوانین منطقی علت و معلول، علت و معلول،

علت و معلول، تا ابتدا پیروی می کند. در ابتدا خدایی وجود ندارد، هیچ چیز در آنجا وجود ندارد. به هر حال، مشکل چیست؟ اگر معجزه ای داشته باشید، اگر دریای سرخ از هم جدا شود و مردم از آن عبور کنند، آیا این یک پدیده طبیعی است؟ نه. سپس از آن عبور می کنید و سپس چه اتفاقی می افتد؟ وای، پایین می رود و همه مصریان غرق می شوند. شما می گوئید، "هوم، این خیلی خوش شانس بود." یا می گوئید، "نه، نه، آب اینطور باز نمی شود." من همیشه به کلاس تدریس کرده ام، اکنون روی نوار هستم اما به هر حال باید این کار را انجام دهم. شما بچه ها روزی بیرون می روید و شغلی پیدا می کنید، و واقعا مهم است که مهارت های خاصی را در مورد نحوه برخورد با زندگی واقعی علاوه بر دانشگاهیان بیاموزید. بنابراین من می خواهم امروز در مورد لوله کشی به شما آموزش دهم. دو چیز وجود دارد که باید بدانید و سپس می توانید لوله کش شوید. دو چیز وجود دارد که باید بدانید. آب در سرآشویی جریان دارد و روز جمعه پرداخت می شود. گرافتم؟ آب در سرآشویی جریان دارد و روز جمعه پرداخت می شود. همه ما اکنون جو لوله کش هستیم. بنابراین می توانید بروید و بگوئید، رزومه خود را بنویسید، من یک لوله کش هستم. به هر حال، من شوخی می کنم، اما نه واقعا.

چیزی که من در اینجا می خواهم بگویم، زمانی است که آب با یک دیوار در یک طرف و یک دیوار در طرف دیگر جدا می شود و مردم در وسط راه می روند. می دانید که من چه می گویم، آب در سرآشویی جریان دارد. این کار نمی کند. پس این یک معجزه است. این یک معجزه است. خدا چنین کارهایی را انجام می دهد. طبیعی نیست. بنابراین مدرنیست از قرن نوزدهم و بیستم می گفت که هر معجزه ای در کتاب مقدس افسانه ای صرف است. هیچ معجزه ای از نظر تاریخی اتفاق نیفتاده است. یک نفر آنها را ساخته است. آنها فقط افسانه هستند. این مدرنیته بود. شما در چیزی زندگی می کنید که مدرنیته نامیده می شود. در مدرنیته، آنها اکنون متفاوت می آیند زیرا هر داستان خاص خود را دارد. سوال: آیا نسل شما به معجزه اعتقاد دارد؟ آیا نسل شما به چیزهایی که اتفاق می افتد و تماشایی هستند اعتقاد دارند، شما همیشه آن را می بینید. بنابراین شما چیزهایی را دیده اید که به نوعی باور نکردنی هستند. معجزه ها اصلا این نسل را آزار نمی دهند. هر کسی داستان خود را دارد، اما داستان خدا برای اکثر افراد بی ربط است. خدا بخشی از داستان من نیست، پس می توانید او را نادیده بگیرید. اما چیز معجزه آسا لزوما در نسل شما با آن مبارزه نمی شود. نسل شما می تواند معجزه را به عنوان مسئله مهمی بپذیرد. به هر حال، آیا این یک معامله است؟ وقتی خدا معجزه می کند، کار بزرگی است. به هر حال، مدرنیته تکه تکه تر است. مدرنیته همه چیز منطقی بود، به هم متصل بود، جهان بسته مانند یک ساعت کار می کرد. نسل شما، شما می بینید که هیچ چیز کار نمی کند. راست؟ اوه، درست است، فکر می کنید من در مورد دولت صحبت می کنم، درست می گوئید؟ به هر حال، می بینید که چگونه چیزهای زیادی وجود دارد، چگونه باید بگویم، بگذارید حتی به خانواده ها بروم. ما فقط به ازدواج دخترم رفتیم. آخر هفته روز کارگر به او هاپو رفتیم تا آن را با خانواده ام جشن بگیرم. همه بچه ها آنجا بودند، در واقع یکی از بهترین دوران زندگی من بود. من هرگز آن

را فراموش نخواهم کرد. او ازدواج کرد. سوال: آیا زندگی آشفته است؟ زندگی آشفته است! بله، واقعا آشفته است. می دانید، شما با خانواده هایی که همگی از هم پاشیده اند تلاقی می کنید. من تضمین می کنم که اکثر شما شاهد کاهش طلاق در خانواده ها، خیانت و انواع چیزها بوده اید. زندگی اغلب وارونه است. چیزی که من می گویم این است که جهان امروز اینگونه است. تمام این نظم قدیمی مدرنیته، همه چیز به طور منطقی به هم متصل است، اکنون جای خود را به همه چیز وارونه می دهد. همه چیز تکه تکه شده است. هیچ چیز منطقی نیست. همه چیز از هم پاشیده است. شما فقط باید آن را در جایی که می توانید بگیرید.

موسی و منابع او برای پیدایش [28:18-26:29]

موسی مطالب خود را از کجا آورد؟ وقتی جوان تر بودم، فکر می کردم شاید خدا فقط پایین آمده و آن را در او فرو کرده است. شاید او یک تراشه در پشت سرش گذاشت - این ماتریکس بود. ما واقعا نمی توانیم این کار را انجام دهیم. به هر حال، فقط یک تراشه در پشت سرش گذاشتم و چیزهایی را در مغزش دانلود کردم و فکر کردم این چیزی است که اتفاق افتاده است. موسی آن را می نویسد. خدا می گوید، "براهشت براء الوهیم؛" و موسی می گوید، "بسیار خوب، خدایا، من اینجا یک صفحه کلید آهسته روی کامپیوترم دارم." او آن را تایپ می کند و می نویسد. خدا آن را در مغز او فرو می برد و خدا با کلمات با او صحبت کرد و موسی آن را نوشت. راستی برای برخی از پیامبران آیا خدا نازل شد و با آنها صحبت کرد و آنها آن را در محل نوشتند؟ ارمیا این کار را کرد [ارمیا 36]. او نه تنها یک بار این کار را انجام داد، بلکه ارمیا آن را می نویسد. و خدا می گوید، "بسیار خوب، ارمیا، این چیزها را بنویس." اول از همه، او می گوید، "ارمیا یک کاتب بیاورید و من به شما می گویم، سپس می توانید به کاتب بگویید که چه چیزی را بنویسد." ارمیا می گوید، "خداوند چنین می گوید،" او نزد کاتب می رود و کاتب آن را می نویسد. او آن را نزد پادشاه می برد. پادشاه چه می کند؟ پادشاه کلام خدا را از کاتب می گیرد، مستقیما از خدا - او اساسا آن را تکه تکه می کند و همه چیز را می سوزاند. این است، "گاو مقدس، کلام خدا فقط در دود بالا رفت،" درست است؟ خدا چه می گوید؟ "ارمیا، برگرد اینجا." او اساسا کاتب را می گیرد و دوباره این کار را انجام می دهد. این بار در صورت پادشاه است. سوال: شما کلام خدا را می سوزانید، چه اتفاقی برای شما می افتد؟ چیزهای بد. این ایده خوبی نیست. ارمیا این کار را کرد و در کتاب مقدس است. شما نمی خواهید آن پادشاه باشید. بنابراین، به هر حال، پادشاه سعی کرد آن را نابود کند. آیا ارمیا آن متن را دو بار دیکته کرد؟ او آن را دو بار دیکته کرد و کاتب دو بار آن را نوشت. به هر حال، گاهی اوقات خدا مستقیما صحبت می کند. چیزی که می خواهم بگویم این است که گاهی خدا پایین می آید، گاهی صحبت می کند و گاهی اوقات قابل شنیدن است. گاهی اوقات ناشنیده است. برخی از بچه ها در واقع آن را شنیدند. گاهی اوقات در ذهن آنها بود.

ک. انوما الیش و حماسه گیلگمش [30:49-28:19]

با این چه کار می کنید؟ با انوما الیش چه می کنید؟ این یک گزارش خلقت بابلی است. با حساب خلقت

بابلی چه می کنید؟ به هر حال، آیا تا به حال نام این مرد، گیلگمش را شنیده اید؟ بگذارید اول گیلگمش را انجام دهم زیرا او احتمالا برای شما بیشتر آشنا است. اما گیلگمش، آیا او قبل از موسی است؟ صدها سال قبل از موسی. آیا او می توانست از موسی کپی کند؟ نه، او صدها سال قبل از موسی است. گیلگمش او تناپیشتم دارد، ما به اختصار او را Utnap می نامیم. او تنپ بیرون می رود و خدایان جلوی او می آیند و به او گفته می شود که یک قایق بسازد. بنابراین او تناپیشتم قایق خود را می سازد و اتفاقا همه این حیوانات به قایق می آیند. این حیوانات، به علاوه خانواده اش، و به علاوه یک دسته از افراد دیگر. او را سوار قایق کردند. او مدتی در قایق است. سیل می آید، قایق را بلند می کند، مردم را غرق می کند. به هر حال، در حماسه گیلگمش، چرا مردم سیل زده شدند، نابود شدند؟ بله، خیلی بلند بودند. ببینید، شما آن موسیقی رپ را انجام می دهید، می بینید چه اتفاقی می تواند برای شما بیفتد؟ بسیار خوب. خیلی بلند بود - بدون هوی متال. خدایان فقط از اینکه بشر سر و صدای زیادی ایجاد می کند ناراحت بودند، بنابراین آنها را غرق کردند. بنابراین آنها را سیل می کنند. اما به هر حال، وقتی آنها در قایق هستند، با پایین آمدن سیل، چگونه او تنپ از قایق پیاده می شود؟ آیا او چند پرنده می فرستد؟ بله. او چند پرنده می فرستد. بنابراین شما یک پسر دارید، یک قایق می سازد، خانواده اش و حیوانات را سوار می کند، قایق بالا می رود، قایق غرق می شود. او پرندگان را بیرون می فرستد و سپس بیرون می آید. آیا این نسبتا آشنا به نظر می رسد؟ آیا موسی داستان گیلگمش را می دانست؟ جالب. آیا موسی داستان انوما الیش، گزارش خلقت که از بابل می آید، می دانست؟ باز هم، از قبل از زمان موسی است. شما یک روح الهی و هرج و مرج اولیه دارید. نور از خدایان (جمع) سرچشمه می گیرد. فلک ساخته می شود، زمین خشک ساخته می شود، چراغ ها ساخته می شوند و توجه می کنند، انسان آخرین ساخته می شود. سپس، پس از آن، خدایان استراحت کردند. آیا از نظر ساختار اصلی آشنا به نظر می رسد؟ آیا ممکن است موسی این مطالب را کپی کرده و فراموش کرده باشد که حماسه گیلگمش و انوما الیش را در پاورقی کوچک بنویسد؟ آیا شباهت هایی وجود دارد؟ بله، وجود دارد.

L. تجزیه و تحلیل گیلگمش و انوما الیش [31:35-30:50]

یک نفر در اینجا یک مطالعه خاور نزدیک باستان انجام داده است و شما می گویند، "هیلدبراند، شما آنها را جعل کردید زیرا حقیقت واقعی را به آنها نگفتید. شما محتوای مشابه را انتخاب کردید و همه چیزهای متفاوت را حذف کردید. می دانید خدایان چگونه دنیای باستان را ساختند؟ خدایان اساسا جنگ داشتند و یکی از خدایان را گرفتند و او را به دو قسمت تقسیم کردند و زمین را از یک قسمت بدن و از قسمت دیگر یعنی آسمان ساختند. آیا این کمی با کتاب مقدس متفاوت است؟ بله. تنها چیزی که می گویم این است که من به نوعی این را در یک جهت دوشیده ام. این داستان ها وقتی واقعا آنها را می خوانید بسیار متفاوت هستند. انوما الیش در تلاش است تا مردوک خدای بابل را تبلیغ کند. با این حال، آیا شباهت هایی وجود دارد؟ بله.

M. تبیین شباهت ها و قصه گویی شفاهی [41:43-31:36]

حالا، آیا این من را شگفت زده می کند؟ و پاسخ این است: نه. ما در مورد آن صحبت نکرده ایم و این واقعا مهم است که من قصد ندارم آن را توسعه دهم - من می خواهم کار وحشتناکی در این زمینه انجام دهم. شما باید دوره ای را توسط بورگمن یا کسی بگذرانید که این موضوع را عمیق تر توسعه دهد. در اصل زمانی که مردم واقعا پیر بودند قبل از اینکه موسی در سال 2000 قبل از میلاد بسیاری از اشعار را انجام دهد، آیا بسیاری از افسانه ها به صورت شفاهی آمده اند؟ آیا انتقال شفاهی با نوشتاری متفاوت است؟ نوآ از قایق پیاده می شود. سام، حام و یافت از قایق پیاده می شوند. آنها بچه های او هستند. آنها با نوح در قایق بودند. آیا فکر می کنید سام، هام و یافت تا به حال به بچه های خود در مورد پدر بزرگ نوح و اتفاقی که برای همه آن حیوانات افتاده است گفته اند؟ بله. بنابراین سام، هام و یافت به بچه هایشان می گویند. حالا، به هر حال، آیا بچه هایشان می توانستند بروند و با پدر بزرگ نوح صحبت کنند و بگویند، "هی، پدر بزرگ نوح، پدر این را گفت. آیا واقعا اینطور اتفاق افتاد؟ آیا پدر بزرگ نوح می تواند آنها را صاف کند؟ خوب، آیا تا به حال پدر بزرگت را خواسته اید که شما را صاف کند؟ به هر حال، چه اتفاقی می افتد؟ آیا پس از سه یا چهار نسل احتمالا داستان مهاجرت می کند؟ آیا تفاوت هایی در داستان وجود دارد؟ یکی از چیزهای زیبا و یکی از مشکلات سنت شفاهی چیست. وقتی چیزهای دهانی پایین می آید، آیا نسلی به نسل دیگر تغییر می کند؟ بگذارید دقیق تر بگویم. پسر من از افغانستان برمی گردد. او داستان های شفاهی می گوید. او فقط وقت نداشت آنها را بنویسد زیرا در واقع هر روزی که بیرون می رفت به او شلیک می شد. بنابراین او وقت نگذاشت تا این را بنویسد. پس اینها سنت های شفاهی هستند. حالا او به آنها می گوید (او یک برادر به نام زک و چند خواهر دارد). ما دور میز نشسته ایم و او یک داستان نویس فوق العاده است. بنابراین او داستانی را تعریف می کند و ناگهان همه سرشان را می خندند. بچه ها می روند. الیوت اکنون رو به پیرمرد (من) و مادر فوق العاده اش می کند و می پرسد: آیا او همان داستان را برای ما تعریف می کند، فقط برای بار دوم آن را تعریف می کند و والدینش تقریبا اشک می ریزند. سوال: آیا همین داستان بود؟ بله، همین داستان بود. سوال: آیا او جزئیاتی را حذف کرد؟ بله، او این کار را کرد. وقتی بچه ها رفتند... او چیزهایی را روی ما انداخت که کاملا مرا منفجر کرد. سوال: آیا همین داستان بود؟ بله، این همان داستانی بود که برای مخاطبان متفاوتی در نظر گرفته شده بود. آیا می توانید داستان متفاوتی بگویید - می دانید چه کسی در این کار عالی است؟ دکتر گریم برد اینجا. آیا تا به حال شنیده اید که او پیانو می نوازد؟ شما باید او را ببرید وقتی وارد دوره او می شوید و بگویید، "هی، هیلدبرانت می گوید که شما باید برای این کلاس پیانو بنوازید." او جاز می نوازد. بنابراین او همان آهنگ را می نوازد، اما آیا هرگز یک آهنگ را دقیقا به همان شکل پخش می کند؟ نه. او جاز می نوازد. بنابراین بسته به اینکه شما چه کسی هستید، آیا داستان را متفاوت از کسی که دوازده تا چهارده ساله است، و سپس با کسی که پنجاه و چهار تا شصت ساله است، تعریف می کنید؟ آیا داستان را متفاوت می گویند؟ وقتی دکتر برد پیانو می نوازد، آن را یک طرف می نوازد و سپس دقیقا همان آهنگ را می نوازد و شما می توانید همان آهنگ را بشنوید، اما آیا متفاوت

است؟ این جاز است. خب، چیزی که من می گویم، در سنت شفاهی مردم داستان را جاز می کنند؟ به عبارت دیگر، شما هرگز داستان را دقیقاً به یک شکل بیان نمی کنید. نوح این را به بچه هایش می گوید - خوب نو آن را به بچه هایش نگفت، بچه هایش آنجا بودند. اما بچه هایش داستان را منتقل می کنند. آیا انتظار دارید که داستان به اشکال مختلف پایین بیاید؟ من فکر می کنم حماسه گیلگمش به یاد طوفان نوح است. فقط به صورت شفاهی پایین آمده است، بنابراین چیزی که شما با موسی در اینجا دارید، این است که خدا پایین می آید و می گوید: "موسی. بگذارید به شما بگویم که واقعا چه اتفاقی افتاده است." حالا شما آن را از خدا دریافت کرده اید که می آید و می گوید، "هی، این چیزی است که واقعا اتفاق افتاده است." به هر حال، آیا افراد دیگری که داستان را منتقل کردند، آیا پوسته داستان را داشتند؟ بله، آنها این کار را کردند. اما آنها، چگونه باید این را بگویم، بنابراین خدا به موسی می گوید که چه اتفاقی افتاده است. بنابراین، تعجب نمی کنم که پژوهشگرانی در فرهنگ های دیگر وجود دارد که داستان سیل را به یاد می آورند. من تعجب نمی کنم. خدا آنها را از بین برد. من انتظار دارم که فرهنگ های دیگر آن را به خاطر بسپارند و آن را منتقل کنند. حدس من این است که آنها یهوه را نمی شناختند و چه انگیزه ای برای آن بود تا آنچه را که اتفاق افتاده بود بسازند؟ آیا این بعلم بود، می دانید، آشیرا را سیل می کرد، معامله اینجا چیست؟ آیا خدایان جنگیدند یا چه؟ پس آیا این برای شما منطقی است؟ من انتظار دارم که برخی از داستان ها مشابه باشند، و سپس خدا وحی خدا را به موسی می دهد. اینگونه است که ما پیدایش را توضیح می دهیم، اینگونه شباهت ها را در نظر می گیریم، و همچنین به این ترتیب تفاوت ها را در نظر می گیریم. حالا، به هر حال، آیا سنت شفاهی زیبا است؟ بله. در برخی فرهنگ ها، آنها حفظ می کنند - وقتی به هومر، ایلیاد و ادیسه برمی گردید. برخی از مردم کرواسی دویست سطر شعر را حفظ کرده و آن را اجرا می کنند. هر بار که آن را اجرا می کنند - برخی از شما تئاتر می کنید. وقتی تئاتر بازی می کنید، آیا تا به حال یک شب، دو شب یا سه شب تئاتر انجام داده اید؟ سوال این است: هر شب متفاوت؟ بله. این همان نمایشنامه است، اما هر شب که آن را اجرا می کنید متفاوت است. در هر گفتن شفاهی چیزی کمی متفاوت خواهد بود. شما یک سوال داشتید. [دانشجو: بله. بنابراین یک سیل وجود دارد و همه چیز نابود شد، بنابراین بعد از آن نقطه آیا همه داستان ها یکسان خواهند بود؟] بله. درسته، بنابراین وقتی نو آن داستان را به بچه هایش می دهد، آنها آن را دیدند. داستان هم همینطور است. حالا بچه هایش می آیند و می خواهم بگویم که احتمالاً با پدر بزرگ چک کرده اند. بنابراین داستان احتمالاً بسیار نزدیک است. حالا آنها بچه دار شدند (پدر بزرگ می میرد و پدر و مادر می میرند). حالا کسی نیست که داستان را بررسی کند. بنابراین مثل این است که اگر به کسی بگویم که چیزی بگوید و شما آن را به صورت شفاهی منتقل کنید تا زمانی که کلاس را پشت سر بگذارید، بسیار متفاوت از آنچه در ابتدا گفتم خواهد بود. پس می دانید چه می گویم؟ به صورت شفاهی، داستان ها تغییر می کنند. به هر حال، چیزی که من به شما می گویم واقعیت است. ما این را می دانیم. ما می توانیم در فرهنگ های دیگر، فرهنگ های کرواسی مقایسه کنیم، چیزهای شفاهی بررسی شده اند

و شما فقط باید این را بدانید. اگر من چیزی را از اینجا شروع می‌کردم و سه جمله را به آنها می‌گفتم، و همه باید آن جملات را تکرار می‌کردند، تا زمانی که به شما می‌رسید، آیا یکسان بود یا متفاوت؟ متفاوت خواهد بود.

[دانشجو: چیزی که من می‌پرسم این است که دقیقا چه مدت بین نوح و موسی می‌گذرد؟] ما هزاران سال صحبت می‌کنیم. منظورم این است که اریحا، جاشوا متناسب با نبرد اریحا در اریحا یک برج عظیم در آنجا وجود دارد. مربوط به 8,000 سال قبل از میلاد است. بنابراین این بدان معناست که نوح باید قبل از آن بیاید، پس شما 8000 سال قبل از میلاد را به 1400 سال قبل از میلاد موسی می‌رسانید. بنابراین شما حداقل 7000 سال در آنجا دارید. داستان‌ها می‌توانند در 7,000 سال بسیار تغییر کنند. حماسه گیلگمش، بیایید بگوییم 2,000 سال قبل از میلاد است؟ بنابراین ما حداقل 5-7,000 سال داریم که باید به آنها گفته شود. حدس من این است که خیلی طولانی‌تر از آن بود. اما من می‌توانم ثابت کنم - شما نمی‌توانید آن را کوتاه‌تر از این داشته باشید، زیرا شما باید برج‌های آنجا را در نظر بگیرید، شهر دمشق، مکان‌های مختلفی وجود دارد که ما می‌شناسیم. بنابراین شما می‌دانید که من چه می‌گویم. شما باید حداقل هزاران سال را به من بدهید. [دانشجو: حدود چند سال بین نوح و موسی تخمین می‌زنید؟] نه، من نمی‌توانم این کار را انجام دهم. خب، بگذارید از نظر تئوری به شما بگویم که من نمی‌توانم این کار را انجام دهم. بگذارید فقط در مورد چیزی به شما هشدار دهم، باشد. شما آن شجره‌نامه‌ها را در فصل‌های پنجم و یازدهم پیدایش می‌دانید، آیا آنها را خوانده‌اید؟ نه، آنها را جمع نکنید. شجره‌نامه‌ها سوراخ‌هایی در خود دارند. وقتی می‌گوید فلان پدر - بسیار خوب، بگذارید فقط متی، فصل اول را انجام دهم. عیسی مسیح، پسر داوود، پسر ابراهیم. ببخشید؟ عیسی مسیح، پسر داوود (متی 1: 1). "عیسی مسیح، پسر داوود." خوب شما بچه‌ها می‌دانید، دیوید چیست؟ یک قرار ملاقات به من بدهید. عیسی مسیح، پسر داوود - این هزار سال است. عیسی مسیح، پسر داوود، پسر ابراهیم. ابراهیم چیست؟ [دانش آموزان: 2,000 سال.] بنابراین شما بچه‌ها این را می‌دانید! سوال: آیا عیسی مسیح پسر داوود بود؟ او گفت: "نه." من می‌گویم "بله." می‌دانید "پسر" به چه معناست؟ "پسر" به معنای "فرزند" است. "پسر" لزوماً به معنای فرزند مستقیم نیست. "پدر" می‌تواند به این معنی باشد، خوب شما بچه‌ها حتی تا به امروز آن را می‌گویید، "پدر ما ابراهیم." خوب، او واقعا پدر شما نیست، اینطور نیست؟ اما همچنین می‌بینید، نکته‌ای که من به آن اشاره می‌کنم؟ می‌بینید چه می‌گویم؟ به آن شجره‌نامه‌های پیدایش در فصل پنجم و یازدهم برگردید، من به شما تضمین می‌کنم که حفره‌هایی در آنجا وجود دارد، و این افراد به هر حال 900 سال زندگی می‌کنند، و شما شکاف‌های بزرگی دارید. شما نمی‌توانید به سادگی آنها را جمع کنید. غیرممکن است. سوراخ‌هایی وجود دارد بنابراین نمی‌توانم تخمینی به شما بدهم. تنها چیزی که می‌دانم این است که موسی حدود 1400-1200 است و من به شما می‌گویم که نوح باید قبل از 8000 باشد، زیرا ما آن برج را در اریحا داریم. پس این چیزی است که تقریباً 6500 سال. تقریباً 6500 سال و چند نسل؟ نمی‌دانم. به هر حال، این فقط برج جریکو نیست، شما باید آن را بیشتر از آن به عقب برگردانید. سوالات خوب،

من فقط پاسخ را نمی دانم.

N. آموزش موسی [43:45-41:44]

آیا موسی از ادبیاتی مانند حماسه گیلیگامش و انوما الیش آگاه بود؟ خب، شما می گویند که موسی که بیابان بزرگ شد و گوسفندان را تعقیب کرد. موسی این ادبیات را نمی دانست زیرا یهودی بود. به هر حال او نمی توانست همه این ادبیات را بخواند زیرا عبری بود. سوال: آیا موسی نادان بود؟ در واقع، موسی کجا آموزش دید؟ با گوسفندان در بیابان؟ [دانشجو: مصر]. مصر. او به عنوان پسر دختر فرعون آموزش دید. آیا او در حکمت مصر آموزش دیده بود؟ آیا مصریان بسیار باسواد و فرهنگی درخشان بودند؟ و ما در مورد مصری باستان صحبت می کنیم که به پناهوتپ برمی گردد که به 2800 سال قبل از میلاد برمی گردد. این حداقل 1400 سال قبل از موسی است. آیا ادبیات حکمت 1400 سال قبل از موسی وجود داشت؟ بله، یک کل وجود داشت، مصر قدیم، مصر میانه وجود داشت. بنابراین قبل از موسی یک سنت ادبی بزرگ وجود داشت. آیا موسی از افسانه های بین النهرین اطلاع داشت؟ آیا تجارت بین مصر و بین النهرین وجود داشت؟ اینها دو گربه بزرگ هستند، این چیزی است که آنها هلال حاصلخیز می نامند. تجارت همیشه به این سو و آن سو در جریان بود. بنابراین حدس من این است که موسی برخی از این داستان ها را می دانست و ممکن است آنها را اقتباس کرده باشد، آنها را پذیرفته باشد، و خدا از موسی برای اصلاح آنها استفاده کرد. آیا موسی می توانست برخی از پیدایش را از برخی از این منابع، از این افسانه ها وام گرفته باشد؟ و پاسخ این است: بله، او می توانست داشته باشد. آیا هر چیزی که بت پرستان می گویند اشتباه است؟ آیا مردم بت پرست گاهی اوقات چیزهایی را می گویند که درست است؟ و اگر حق با آنها باشد، پس خدا می تواند آن را در کتاب مقدس بگنجانند. آیا برخی از افراد بت پرست هستند که در کتاب مقدس صحبت می کنند و در کتاب مقدس حقیقت را می گویند؟ بگذارید این کار را انجام دهم. آیا حتی برخی از الاغ ها هستند که در کتاب مقدس صحبت می کنند و حقیقت را می گویند؟ بله. الاغ حقیقت را در اعداد 22 می گوید.

O. تولدوت ساختار پیدایش [44:42-43:46]

حالا، این است *toledot* ساختار پیدایش. فکر می کنم این جالب است، اما از نقطه نظر ادبی جالب است. تولدوت به این معنی است (به اعتقاد من در نسخه کینگ جیمز ترجمه شده است) "اینها نسل های هستند." من فکر می کنم NIV شما - اگر کتاب مقدس خود را دارید ممکن است بخواهید آنها را باز کنید، زیرا این نسبتا جالب است که در واقع نگاه کنید که کتاب مقدس شما چگونه این کار را انجام می دهد. در پیدایش فصل 2 آیه 4، شما یکی از این موارد را دارید *toledots*، «این حساب است.» «این است سرگذشت آسمانها و زمین و روزی که آفریده شدند!» «این حساب است،» و آنچه می بینید این است که ده نفر وجود دارد *toledots* در کتاب پیدایش. بنابراین پیدایش بر اساس این عبارت به ده بخش تقسیم می شود. آیا موسی کتاب خود را اینگونه می شکند؟ اینگونه است که موسی در حال نوشتن کتابش آن را تجزیه می کند. این نوع تقسیم پاراگراف اوست.

P. تقسیمات فصل در کتاب مقدس حدود 1200 پس از میلاد اضافه شد. [48:13-44:43]

راستی، اگر نزد موسی بروید و بگویید: «موسی، چند فصل در پیدایش وجود دارد؟» شما بچه ها باهوش تر از موسی هستید. اگر نزد موسی می رفتی و می گفتی، "ای موسی، چند سوره در پیدایش وجود دارد؟ آیا موسی پاسخ این سوال را می داند؟ نه، او این کار را نمی کرد. زمانی که او پیدایش را نوشت هیچ فصلی وجود نداشت. او در فصل ها نمی نوشت. کتاب مقدس شما فصل هایی در خود دارد. آیا می دانید که آن فصل ها در حدود سال 1200 پس از میلاد اضافه شده اند؟ حالا، به هر حال، دوباره، من اینجا ایستاده ام. راستش را به شما می گویم. یک اسقف وجود داشت - دکتر مک ری مردی بود که من زیر نظر او تحصیل کردم، برخی شایعات حاکی از آن بود که او این شخص اسقف را می شناسد. اما در سال 1200 پس از میلاد، مک ری همیشه می گفت که سوار بر اسب است، و گاهی اوقات تقسیم بندی ها ظاهر می شوند، و گاهی اوقات آنها آنجا هستند، و گاهی اوقات او آن را درست انجام می دهد. آیا برخی از تقسیمات فصل در جای اشتباهی قرار دارند؟ بگذارید مثالی از کتاب مقدس شما از فصل های اول و دوم پیدایش را به شما نشان دهم. به این نگاه کنید، او تقسیم فصل را از دست داد. حالا به هر حال، آیا این بدان معناست که کتاب مقدس اشتباه کرده است یا این بدان معناست که اسقف در سال 1200 پس از میلاد تقسیم فصل را در جای اشتباهی قرار داده است؟ حالا بگذارید این را به شما ثابت کنم. بروید به کتاب مقدس خود نگاه کنید، به فصل دوم پیدایش نگاه کنید. فصل اول چیست؟ هفت روز خلقت. اما مشکل این است: آیا هفت روز خلقت در پیدایش فصل اول وجود دارد؟ روز هفتم کجاست؟ آیا روز هفتم در فصل اول است؟ نه. روز هفتم، همانطور که می گوید، "و بدین ترتیب آسمانها و زمین کامل شدند و در روز هفتم خدا کاری را که انجام می داد به پایان رساند. بنابراین، از روز هفتم او از تمام کارهایش استراحت کرد." این در فصل دوم است. روز هفتم در فصل دوم است. آیا هفت روز خلقت باید کنار هم قرار گیرند؟ بله. به هر حال، به آیه 4 نگاه کنید. حالا آیا کتاب مقدس NIV شما، NRSV، کتاب مقدس ESV شما بین 2:3 و 2:4 تقسیم می شود؟ آیا فضایی در آنجا وجود دارد؟ برخی از شما سرتان را تکان می دهید نه. آیا بسیاری از کتاب مقدس شما در آنجا فضایی دارند؟ باید یک فضا در آنجا وجود داشته باشد. اینجاست که تقسیم فصل باید به دلیل این عبارت قرار می گرفت که "این حساب آسمانها و زمین است." این *toledot* ساختار همان چیزی است که موسی برای تقسیم روایت به ده بخش خود استفاده می کند. موسی آن را اینگونه تقسیم می کند. بنابراین باید کمی تفرقه وجود داشته باشد. به هر حال، آیا برخی از شما آن کتاب مقدس کوچک را دارید که متن را در بالای متن قرار می دهند؟ پس آنها فضای سفید را انجام نمی دهند زیرا سعی می کنند آن را واقعا کوچک کنند؟ بنابراین برخی از آنها ممکن است آن را با هم جمع کرده باشند، نه به این دلیل که نمی دانستند تقسیم بندی در 2:4 است، بلکه فقط به این دلیل که سعی می کنند فضا را ذخیره کنند. بنابراین در واقع از 2:4 به 5:1 بروید. در اینجا درست در بخش فصل پنجم خواهید دید. چگونه شروع می شود؟ "این گزارش مکتوب خط آدم است." بنابراین اکنون شما شجره نامه آدم را دارید که بعد

از آن می آید. به 6:9 بروید، می توانید در NIV من ببینید که بیابید که خود به خودی خود به تعویق می اندازد. «این داستان نوح است.» بنابراین بعد از 6:9، داستانی در مورد نوح و فرزندانش دریافت می کنید. سپس به 10:1 می روید، و همان چیز را خواهید دید، و غیره و غیره "این داستان سام، حام و یافث است"، و سپس به شجره نامه سام، حام و یافث می رود. بنابراین "این گزارش است" اینگونه است که کتاب پیدایش با استفاده از این عبارت ساختار یافته است. موسی آن را ده بار بیان می کند و کتاب خود را به این شکل می سازد.

Q. ساختار قرص پیدایش [52:35-48:14]

آیا متوجه شدید که در حین خواندن پیدایش کمی تاریخ دریافت می کنید و سپس شجره نامه ای به شما می دهد؟ شما تاریخ را می خوانید، و سپس به شجره نامه می رسید. چه کار می کنی؟ شما از شجره نامه صرف نظر می کنید. شما به تاریخ می رسید و سپس از شجره نامه می گذرید. آیا ما به عنوان آمریکایی اینگونه می خوانیم؟ آیا آنها بیشتر از ما به شجره نامه علاقه داشتند؟ مادر بزرگ ها و پدر بزرگ های شما نیز کار شجره نامه را انجام می دهند؟ -- بنابراین تاریخ و شجره نامه، تاریخ و شجره نامه. ببینید چگونه در متن نوسان می کند، بین تاریخ و شجره نامه. به نظر می رسد کسی نظریه ای را بر اساس این واقعیت بر اساس برخی از قرص هایی که آنها حفر کرده اند ایجاد کرده است. اول از همه، مردم در آن زمان روی چه چیزی می نوشتند؟ آنها به ویژه روی لوح های گلی در بین النهرین نوشتند - لوح های گلی/سفالی. بنابراین قلم یا قلم برداشتند و آن را در گل و لای فرو کردند و گل خشک شد. سپس می توانید آن را بخوانید - قرص های گلی. آیا خوشحالیم که از قرص های گلی استفاده کردند؟ مشکل کاغذ چیست؟ کاغذی 500 ساله به من بدهید. کاغذ چه مشکلی دارد؟ کاغذ دیگر نیست. حالا وقتی کاغذ با رطوبت است چه اتفاقی می افتد؟ به هیچ نمی رسد. به گرد و غبار تبدیل می شود. بازگشت به خاک، از خاک به خاک آمد، باز خواهم گشت. معامله با تبلت چیست؟ شما قرص ها را در این جعبه ها قرار می دهید، و سپس شقیقه را روی قرص ها می سوزانید. شما آن را به زمین می سوزانید. چه می کند که به قرص؟ آنها را اخراج می کند! این قرص ها را چه می کند؟ اکنون مثل سنگ سخت است. سوال: آیا آنها برای همیشه دوام می آورند؟ ما آنها را حفر می کنیم، 3000 سال بعد و یک لوح را بیرون می آوریم. آیا می توانیم آنها را بخوانیم؟ بله، همه شما باید Ugaritic و Acadian را و شما می توانید قرص به عنوان خوانده شده. نه، به طور جدی، برخی از مردم به دانشگاه پنسیلوانیا می روند. نیمی از عمرشان را در زیرزمین حبس می کنند و بعد از اینکه نیمی از عمرشان را در آنجا گذرانده اند، به آنها دکترا می دهند. اما به هر حال، این تبلت ها اخراج می شوند. آیا می دانید چقدر مهم است که آنها برای ما روی گل بنویسند؟ ما این تبلت ها را داریم، و می توانیم آنها را پس از 3000 سال بخوانیم. مشکل پاپیروس و همه کاغذ چیست؟ تنها جایی که کاغذ قرار است آن را بسازد، مانند پاپیروس و این نوع مواد (آنها روی پوست حیوانات نیز می نوشتند) تنها جایی که قرار است آن را بسازد در مصر است. حالا چرا در مصر زنده می ماند؟ زیرا مصر بسیار بسیار زیاد است؟ خشک. هیچ رطوبتی در هوا وجود ندارد. این

صحرای صحرا است، و می دانید، لیبیایی ها به آنها شلیک می کنند، بنابراین آن را خشک تر می کند. چیزی که من می گویم این است که آنقدر خشک است که مصر تنها جایی است که پاپیروس واقعا در آن باقی مانده است. آیا مصریان روی صخره ها می نوشتند و روی صخره ها می تراشیدند؟ این واقعا برای ما نیز خوب است، زیرا سنگ ها برای مدت طولانی دوام می آورند. خدا با انگشتش کارهایی روی سنگ ها هم انجام داد. اما به هر حال، اینگونه است که الواح با این نوسان تاریخ/شجره نامه به جلو و عقب ساختار یافته اند. شما این را در کتاب مقدس منعکس می کنید - این تاریخ، شجره نامه، تاریخ، نوسان شجره نامه. چیزی که این مرد در برخی از تبلت هایی که می خواند متوجه شد، که ساختار تبلت جلوی تبلت بود و سپس پشت تبلت را دارید. در جلوی لوح متوجه شد که یک عنوان، یک تاریخچه، یک کلوфон (یک یادداشت کتبی بود که می گفت مال من این لوح است)، با شجره نامه ای در پشت آن وجود دارد. بنابراین یک شجره نامه در پشت و خلاصه است. وقتی نوبت به کتاب مقدس ما می رسد، باید نوسانی بین تاریخ و شجره نامه، تاریخ و شجره نامه وجود داشته باشد. جلوی تبلت، پشت تبلت، جلوی تبلت، پشت قرص. بنابراین آنچه او می گوید این است: آیا سبک موسی با سبک نوشتن آن زمان مطابقت دارد؟ آیا انتظار چنین چیزی را دارید؟ این ممکن است توضیحی باشد برای اینکه چرا این تبادل تاریخ و شجره نامه در پیدایش وجود دارد. حالا راستی، آیا ما این را می دانیم؟ نه، این حدس برخی از محققان است. آیا منطقی است؟ برای من منطقی است، اما نمی گویم واقعیت است. من می گویم که این حدس این مرد است که ما به طور قطع نمی دانیم، اما به نظر می رسد منطقی است. بله. [دانشجو: کولوفون چیست؟] کولوفون یک یادداشت نوشتاری است، مثلا "من شافان هستم، کاتب رئیس، و این لوح من است" یا چیزی شبیه به آن. یا "این برای زیمربلین نوشته شده بود، او پادشاه بود و او مرا کتک نزد بنابراین من این لوح را برای او نوشتم" یا چیزی شبیه به آن. می دانید، یک نوع یادداشت نوشتاری کوچک. آیا موسی از این ساختار در نوشته های پیدایش استفاده کرد؟

R. عبری به عنوان یک گویش کنعانی [53:41-52:36]

آیا موسی از الگوهای ادبی زمان خود استفاده می کرد؟ آیا موسی از زبان زمان خود استفاده کرد؟ موسی احتمالا به زبان عبری نوشت، درست است؟ زبان عبری چیست؟ بگذارید در این مورد با شما صریح و صادق باشم. آیا زبان عبری یک گویش کنعانی است؟ زبان عبری فقط یک گویش کنعانی است. یهودیان زبان عبری را از کجا آوردند؟ هنگامی که ابراهیم به سرزمین کنعان نقل مکان کرد، آنها زبان عبری را دریافت کردند. آنها آن را از آنجا برداشتند. این یک گویش کنعانی بود. حدود 1800 سال قبل از میلاد توسعه یافته است. ابراهیم آن را از گویش های کنعانی برداشت، و سپس اساسا منتقل شد و به زبان عبری تبدیل شد، اما در اصل یک گویش کنعانی است. آیا ابراهیم وقتی از خانه اش در بین النهرین وارد می شد، زبان بین النهرین داشت؟ بله. او وارد کنعان می شود و گویش کنعانی را اتخاذ می کند که به عبری معروف است و به موسی برمی گردد.

S. ارتباط خدا به زبان مردم [56:03-53:42]

حال، آیا موسی به زبان مردم نوشت؟ بله. آیا او به سبک مردم می نوشت؟ به هر حال، آیا سبک های خاصی از نوشتن وجود دارد که در طول یک دوره زمانی تغییر می کند؟ اگر نامه ای بنویسید و ایمیل بنویسید، آیا دو سبک متفاوت برای نحوه نوشتن نامه و ایمیل وجود دارد؟ وقتی در فیس بوک می نویسید این تفاوت با زمانی است که ایمیل می نویسید؟ اگر تویتر می کنید، آیا با زمانی که در ایمیل می نویسید متفاوت است؟ آیا امروزه سبک های متفاوتی داریم؟ بله. آیا موسی سبک های ادبی متفاوتی داشت که از آن استفاده می کند؟ بله. و من به شما نشان خواهم داد که کتاب تثبیه تقریبا دقیقا به شکل/شکل یک معاهده هیتی است. محتوا متفاوت است اما فرم آن مشابه است. آیا این چیزی است که ما انتظار داریم؟ موسی از زبان آن زمان استفاده می کند و همچنین از اشکال ادبی آن زمان استفاده می کند. بنابراین سبک، ما به آن نگاه خواهیم کرد. اگر موسی از سبک نوشتن زمان خود استفاده کرده باشد، آیا ممکن است از محتوایی استفاده کرده باشد که برخی از مردم آن زمان داشتند. به عبارت دیگر، به عنوان مثال، آیا مردم در زمان موسی معتقد بودند که زمین گرد است یا مسطح؟ آیا آنها زمین را صاف نگه می داشتند؟ [دانشجو: چون صاف به نظر می رسد.] بله، چون شما از در بیرون می روید و چهارگانه را می بینید، می دانید، بسیار صاف است. شما به اطراف نگاه می کنید و زمین بسیار صاف به نظر می رسد. مردم آن روزها معتقد بودند که زمین مسطح است. به هر حال، آیا حتی ممکن است کتاب مقدس حتی بتواند به چیزی شبیه به آن اشاره کند؟ آیا تا به حال کسی نام "چهار گوشه زمین" را شنیده است؟ در کتاب مقدس، اشعیا 11: 12 به آن اشاره شده است. "چهار گوشه زمین" به معنای مسطح زمین است، اینطور نیست؟ حالا وقتی می گوید چهار گوشه زمین، آیا این بدان معناست که این یک زمین مسطح است؟ به هر حال، برخی از مسیحیان فکر کرده اند که به دلیل آن متن در اشعیا مسطح است. آیا کسی می داند منظور اشعیا چیست؟ آیا کسی اینجا و اکنون در مورد چهار گوشه زمین صحبت می کند؟ اگر امروز بگویید چهار گوشه زمین به این معنی است که فکر می کنید زمین مسطح است؟ [دانشجو: نه.] این فقط یک روش ادبی برای گفتن گوشه های زمین (شمال، جنوب، شرق و غرب) است. شما نمی گوید زمین مسطح است. کتاب مقدس در آنجا اشتباه نیست، فقط مردم آن را اشتباه فهمیده اند.

پیشینه خانوادگی تی موسی [58:29-56:04]

موسی زبانی را که نوشت از کجا آورد؟ وقتی سعی می کنم بگویم که ابراهیم و فرزندش یعقوب زبان کنعان را زمانی که در سرزمین کنعان بودند انتخاب کردند و این به موسی منتقل شد. آیا موسی زیر نظر پدر و مادرش آموزش ندیده بود؟ او توسط دختر فرعون در حکمت مصر آموزش دید، اما آیا او ابتدا توسط پدر و مادرش تربیت شد؟ آیا به یاد دارید که او را در یک سبد قرار دادند و سپس در رود نیل انداختند؟ هنگامی که دختر فرعون او را برداشت، گفت: «این فرزند عبرانیان است.» (فکر می کنم احتمالا ختنه شده بود) و بنابراین او را برداشت. سپس اتفاقی که می افتد این است که میریام، خواهر بزرگتر موسی، ظاهر می شود و می گوید: "هی، من یهودی

هستم." بنابراین او موسی را به خواهر خودش باز می گرداند، خواهر بزرگتر، او برادر کوچکتر است. مشکلی در آن وجود دارد. آیا خواهر بزرگترتان تا به حال شما را اداره کرده است؟ به هر حال، خواهر بزرگتر موسی را به پدر و مادرش برمی گرداند. پدر و مادر خود موسی او را بزرگ کردند، یا همانطور که همسر می گفت، "او را بزرگ کردند." بنابراین او تا دوازده یا سیزده سالگی در نوجوانی بزرگ شده است. وقتی به نوجوانی می رسد، نزد دختر فرعون می رود. در آنجا او در تمام حکمت مصر آموزش می بیند. آیا او می داند چگونه عبری را روان صحبت کند؟ اگر تا 12 سالگی در یک خانواده بزرگ شوید، آیا تا آخر عمر زبان را می دانید؟ دامادم با دخترم ازدواج کرد و اهل تایوان است. او تا دوازده سالگی در تایوان بزرگ شد. وقتی صحبت از انگلیسی به میان می آید، آیا او می تواند انگلیسی را روان صحبت کند؟ او هنوز می گوید "گوسفند" و "گوزن". نه آهو، بلکه "آهو". او در انتهای همه چیز یک 's' می گذارد تا جمع شود. من او را مسخره می کنم زیرا او این کار را می کند. در واقع، او مرالیس زده است. او SAT را گرفت، SAT به زبان انگلیسی بود. او پنج امتیاز را در SAT از دست داد. آیا آن مرد بسیار باهوش است؟ او به هاروارد رفت، به MIT رفت، آن مرد بسیار باهوش است. اما او هنوز می گوید "گوسفند" و هنوز می گوید "گوزن"، بنابراین ما او را برای آن می گیریم. اما سوال: آیا آن مرد هنوز مانداری می داند؟ او تا دوازده سالگی در تایوان بزرگ شد. آیا او هنوز مانداری را روان می داند؟ بله. بنابراین چیزی که من می گویم این است که موسی در کودکی عبری می دانست.

U. بت پرستان که حقیقت را می گویند و سازش خدا [59:26-58:30]

آیا افراد غیر یهودی، غیر پیامبران و بت پرست می توانند چیزهایی را بگویند که درست باشد؟ بله. اگر موسی آنچه را که آن مردم بت پرست می گویند ثبت کند، باز هم چیزی درست است. این در کتاب مقدس است، پس هنوز هم درست است. پس مراقب برخی از این چیزها باشید. آیا خدا حقیقت خود را برای بیان حقیقت به روش هایی که با نحوه نگاه انسان باستان به چیزها هماهنگ بود، تطبیق داد؟ او خود را در زبان تطبیق داد. بنابراین خدا به زبان عبری صحبت می کند و از اشکال ادبی آن روز استفاده می کند. چقدر خودش را تطبیق داد؟ آیا خدا پایین آمد و به موسی گفت: "ای موسی، شما فکر می کنید زمین مسطح است، زمین مسطح نیست، گرد است؟" آیا خدا هرگز پایین آمده و آنها را صاف کرده است؟ نه، نکته این نبود. خدا پایین می آمد تا به آنها درباره جانشان و رستگاری بگوید، نه در مورد واقعیت علمی. بنابراین شما باید کمی در مورد این چیزها استراحت کنید.

V. اهداف پیدایش 1 و هرمنوتیک [60:39-59:27]

حال، چرا موسی خلقت را در نظر گرفت؟ چرا موسی شروع به کار کرد "در ابتدا، خدا آسمان ها و زمین را آفرید". آیا موسی پیدایش 1 و 2 را برای مبارزه با نظریه تکامل نوشت؟ آیا موسی سرنخی در مورد نظریه تکامل داشت؟ نه. این در قرن 19 و 20 است؟ بنابراین موسی علیه نظریه تکامل ننوشت. موسی هیچ سرنخی نداشت و هیچ یک از افرادی که او خطاب می کرد این را نمی دانست. حالا چیزی که من در اینجا روی آن کار

می‌کنم "هرمنوتیک" است. هرمنوتیک، آیا کسی "هرمنوتیک" را می‌داند؟ هرمنوتیک مطالعه نحوه تفسیر کتاب مقدس است. کتاب مقدس را چگونه تفسیر می‌کنید؟ افراد مختلف کتاب مقدس را به گونه‌ای متفاوت تفسیر می‌کنند. هرمنوتیک نحوه تفسیر شما است. توجه کنید که من در اینجا چه چیزی را فشار می‌دهم. مبارزه با نظریه تکامل - آیا مشکل ما در مبارزه با نظریه تکامل در روزگار ما این است؟ آیا موسی از این موضوع خبر داشت؟ من سعی می‌کنم شما را به هدف اصلی نویسنده اصلی برگردانم. به عبارت دیگر، کتاب مقدس لزوماً برای من است، من، من، من، من. ما در یک فرهنگ خودشیفته زندگی می‌کنیم که همیشه می‌گوید "من من من".

W. هدف اصلی نویسنده اصلی [61:49-60:40]

کاری که من می‌خواهم انجام دهم این است که شما را از شما بیرون بکشم و به گذشته نگاه کنم که چگونه موسی، به عنوان یک نویسنده، چگونه در ابتدا آن را در نظر گرفته بود. موسی در ابتدا چه قصدی داشت؟ قصد اصلی موسی چه بود؟ بنابراین این هرمنوتیک من است، تلاش برای بازگشت به هدف اصلی نویسندگان اصلی. آیا احتمالاً موسی آن را به عنوان یک مجادله علیه شرک نوشته است؟ آیا مردم در آن زمان مشرک بودند؟ خدایان زیادی انواع کارها را انجام می‌دادند. بنابراین ممکن است، آیا این خیلی بهتر از تکامل با قصد موسی مطابقت دارد؟ بله، زیرا آنها با شرک دست و پنجه نرم می‌کردند. بنابراین ممکن است. او شروع می‌کند، "نه، نه این بعل و اشیره نیستند که به جنگ رفتند و بعل او را تکه تکه کرد. خدا یگانه بود و او همه چیز را آفرید و چگونه آن را ساخت؟ او صحبت کرد و همه چیز به وجود آمد." بنابراین موسی احتمالاً علیه شرک کار می‌کند. من فکر می‌کنم این نکته واقعی است که موسی در کتاب پیدایش به آن می‌پردازد. موسی اساساً می‌گوید پیدایش 1 یک مستند شناسی است. این برای ستایش و پرستش خدا است. این به ما چیزی در مورد خدا، عظمت او، عظمت و خوبی خدا در خلقت می‌گوید. عظمت و خوبی خدا در روایت خلقت چیزی است که برجسته است.

X. دیدگاه بینامتنی از خلقت: مزمو 136 [62:41-61:49]

حالا از کجا بفهمیم که این بخشی از هدف است؟ من به مزمو 136 نگاه می‌کنم و مزامیر به ما نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از گزارش پیدایش استفاده کرد. حالا، من می‌خواهم این را اینجا بگذارم، و فقط این مزمو زیبا را ببینم. این مزمو از چه چیزی صحبت می‌کند؟ مزمو 136. برای کسی که به تنهایی معجزات بزرگ انجام می‌دهد، زیرا عشق وفادارانه او تا ابد ماندگار است. چه کسی با درک خود آسمان‌ها را ساخت؟ زیرا عشق وفادارانه او تا ابد ماندگار است. همان کسی که زمین را بر آنها پهن کند زیرا عشق وفادارانه او تا ابد ماندگار است. چه کسی نورهای بزرگ را ساخت، زیرا عشق وفادارانه او تا ابد ماندگار است. خورشید برای اداره روز، زیرا عشق وفادارانه او تا ابد ماندگار است.

این مزمو چه فایده‌ای دارد؟ او به خلقت نگاه می‌کند و چه نتیجه‌ای می‌گیرد؟ درک نکته اصلی بسیار دشوار

است. او چه نتیجه ای می گیرد؟ "عشق وفادارانه او برای همیشه ماندگار است."

Y. ادغام ایمان و یادگیری [65:19-62:42]

بنابراین، به عبارت دیگر، آیا می توانید به خلقت نگاه کنید و چیزی در مورد خدا بیاموزید؟ برخی از شما بچه ها در حال رفتن به علم و برخی از شما دختران به علم. آیا باید بتوانید به علم نگاه کنید و آیا باید شما را به پرستش خدا سوق دهد؟ آیا مطالعه فیزیک شما باید شما را به پرستش خدا سوق دهد؟ آیا مطالعه زیست شناسی شما باید شما را به پرستش خدا سوق دهد؟ آیا شیمی باید شما را به پرستش خدا سوق دهد؟ آیا فیزیک فقط $f=ma$ است؟ یا $v=ir$ ؟ می توانید بگویید، من فیزیک یا هر چیز دیگری را می دانم، $v=ir$. خوب، آیا این واقعا ماهیت آن است؟ یا می توانید فرمول های گذشته را به چه چیزی ببینید؟ شما در مورد کهکشان ها صحبت می کنید، شما در مورد آنچه خدا آفریده صحبت می کنید. شما می توانید دست خدا را ببینید. بنابراین چیزی که من می گویم این است که علوم را در نظر بگیرید. بله، فرمول های خود را بیاموزید. اما فراتر از فرمول ها بروید تا زیبایی خدا را در خلقت در فیزیک، شیمی، زیست شناسی و هر چیز دیگری ببینید. در اینجا یک رویکرد دیگر وجود دارد. این افراد در کتاب مکاشفه در آسمان هستند [مکاشفه 4:11]. و حدس بزنید آنها در بهشت چه می کنند؟ این کاری است که ما در بهشت انجام خواهیم داد. "شما شایسته دریافت هستید، پروردگار و خدای ما، - دریافت چه؟ "شکوه، افتخار و قدرت." چرا خدا شایسته دریافت جلال، عزت و قدرت است؟ "زیرا شما همه چیز را آفریدید و به اراده شما آفریده شدند و وجود دارند." بنابراین این آیه زیبا، آنچه را که در بهشت می گذرد منعکس می کند. آیا خلق همیشه به معنای خلق از هیچ است؟ یک اصطلاح لاتین وجود دارد (و من می خواهم شما این را بدانید)، اصطلاح لاتین، "از هیچ خلق کنید"، ایجاد کردن است سابق *Nihilo*. سابق - آیا کسی دیگر لاتین می آموزد؟ سابق، "خارج از"، "نیپیلو، به معنای "هیچ" است. آیا خدا از هیچ آفرید؟ آیا خدا می تواند از هیچ خلق کند؟ خدا صحبت کرد و به وجود آمد. پس خدا خلق می کند - "در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید." او از هیچ خلق می کند، سابق *Nihilo*. آیا خدا همیشه خلق می کند سابق *Nihilo*؟ مزامیر فصل 33 آیه 6 آیه ای زیبا است. "به کلام خداوند آسمانها آفریده شدند، لشکرهای پرستاره با نفس دهان او." خدا صحبت کرد و جهان ها به وجود آمدند. آیا خدا همیشه این کار را به این شکل انجام می داد؟ نه. خدا انسان را از خاک بیرون آورد. او انسان را شکل داد، او انسان را از خاک آفرید. آیا او انسان را از هیچ آفرید؟ برخی از زنان می گویند: "بله". آیا خدا انسان را از هیچ آفرید؟ نه، او او را از گرد و غبار تشکیل داد.

ز. نام آدم و حوا [68:54-65:20]

حالا، به هر حال، چون شما عبری نمی دانید، بازی های زیبای کلمات را در کتاب پیدایش از دست دادید. خدا خاک زمین را می گیرد و چه چیزی را شکل می دهد؟ خدا موجودی را که از زمین شکل می دهد چه می نامد، آیا او را نامی می نامد؟ او او را "آدم" صدا می کند. او او را آدم صدا می کند. چه کاری انجام می دهد

آدمه یعنی؟ او گرد و غبار را می گیرد، آن را شکل می دهد و او را "گرد و غبار" صدا می کند. نه، این یک شوخی نیست، این یک حقیقت صادقانه است! "آدم"، "آدم" به چه معناست؟ آدمه به معنای خاک، زمین، گرد و غبار. بنابراین او آدم را از گرد و غبار بیرون می آورد و او را "داستی" صدا می کند. این حقیقت است. نام آدم یک جناس در "داستی" است. در آنجا بازی با کلمات وجود دارد و زیباست.

به هر حال، او حوا را چه می نامد؟ چه کسی حوا را نام می برد؟ آدم حوا را نام می برد. آدم چه زمانی حوا را نام می برد؟ بعد از اینکه به آدم گفته شد: آدم، تو گناه کردی، خاک تو "گرد و غبار" هستی، به خاک باز خواهی گشت. آیه بعدی در پیدایش 3: 20 آدم به حوا روی می آورد. او تاکنون در زمین نامی برده نشده است. او به همسرش روی می آورد، درست پس از اینکه به او گفته شد که باید دم خود را از بین ببرد و در نهایت به گرد و غبار ببازد، او برنده نخواهد شد (او دوباره گرد و غبار می شود. سپس رو به همسرش می کند و می گوید: «تو زن مرگ هستی. زن شیطانی. زن ویرانگر. اسمش را چه می گذارد؟ رو به او می کند و می گوید هاوه. و شما بچه ها می دانید چه چیزی هاوا است. شما به یک عروسی یهودی می روید، آنها را بیرون می کشند - اوه بچه ها زیر بیست و یک سال هستید، این کار را در عروسی یهودی انجام ندهید. به هر حال، در یک عروسی یهودی، آنها چیزهای بین آنها را بیرون می کشند و می گویند چه؟ لاهایم. لاهایم. شما بچه ها می دانید که - همه شما "ویولن زن روی پشت بام" را دیده اید، درست است؟ به هر حال، آنها این را در کالج گوردون به شما نمی گویند، اما یکی از شرایط فارغ التحصیلی این است که قبل از فارغ التحصیلی باید «ویولن زن روی بام» را تماشا کنید. شوخی نمی کنم، جدی هستم. اگر برای گرفتن دیپلم خود از آن مرحله عبور کنید، دکتر ویلسون یکی از آن اسلحه های نرم هوا را دارد، اگر از آن طرف بروید، اگر «ویولن زن روی پشت بام» را ندیده باشید، شما را می داند. بنابراین شما باید «ویولن زن روی پشت بام» را ببینید. اگر «ویولن زن روی پشت بام» را ندیده اید، باید آن را ببینید. لاهایم! لاهایم! به هر حال، ریشه چیست لاهایم؟ هاوا و لاهیم اساساً یک کلمه هستند. او رو به همسرش می کند و می گوید چه؟ چه کاری انجام می دهد لاهایم معنی؟ به زندگی. او رو به این زن می کند و او را صدا می زند هاوا-- شما "مادر همه زندگان" هستید. من می خواهم گرد و غبار کنم، اما شما "مادر همه زندگان" هستید. آیا این زن به او امید می آورد که روزی سر مار خرد خواهد شد؟ زندگی از کجا می آید؟ زندگی از این زن می آید. بنابراین او را "زنده" می نامد - "مادر همه زندگان" - هاوه. آیا این رابطه زیبایی بین آدم و حوا را نشان می دهد؟ او بعد از اینکه فقط نفرین شده است، او را نفرین نمی کند. او او را دوست دارد و امیدی را که از طریق او می آید می بیند. از طریق ذریت او است که رستگاری به تمام بشریت خواهد رسید. این زن برای تمام بشریت رستگاری خواهد آورد و به او نگاه می کند و می گوید، هاوه. شما می گویند "حوا"، اما من دوست دارم هاوا بهتر.

Aa. «ایامها» پیدایش فصل 1: سه رویکرد [69:36-68:55]

اکنون حدود ده دقیقه وقت داریم، و من می خواهم بحث ها را در اینجا به روزهای پیدایش تغییر دهم. من

می خواهم این را نسبتاً سریع انجام دهم و فقط به این موضوع بپردازم زیرا نمی خواهم در این نکته معطل شوم: روزهای پیدایش و گزارش خلقت - هفت روز خلقت. زمین چه زمانی آفریده شد؟ کتاب مقدس چه می گوید؟ قبلاً سعی کردم بگویم که کتاب مقدس به ما نمی گوید که زمین چند ساله است. سه رویکرد به روزهای پیدایش 1 وجود دارد و من فقط می خواهم این سه رویکرد را مرور کنم. بنابراین ما روزهای پیدایش را انجام خواهیم داد.

AB. تئوری روز تحت اللفظی 24 ساعته [73:36-69:37]

اول از همه، برخی معتقدند که روزهای پیدایش بیست و چهار ساعت به معنای واقعی کلمه، بیست و چهار ساعت از طلوع تا غروب و عصر، یک دوره بیست و چهار است. به آن "تئوری واقعی 24 ساعته روز" می گویند. بسیاری از افرادی که این را دارند "آفرینش گرایان زمین جوان" نامیده می شوند. خلقت گرایان زمین جوان معتقدند که زمین حدود بیست هزار سال قدمت دارد، چیزی شبیه به آن - بیست، سی، چهل یا ده هزار سال. بنابراین به آن "زمین جوان" می گویند. زمین فقط حدود بیست هزار سال قدمت دارد. اکثر افرادی که خلقت گرایان زمین جوان هستند، تئوری واقعی 24 ساعته روز را در اختیار خواهند داشت. اساساً چیزی که آنها می گویند این است که کلمه یوم، کلمه یوم عبری برای "روز" است که در واقع در پیدایش 1: 5 تعریف شده است، جایی که خدا در آیه 5 می گوید، "و خدا نور را روز و تاریکی را شب نامید." بنابراین این نوسان بین نور و تاریکی، که بیست و چهار روز است، خدا چنین تعریف می کند یوم در پیدایش 1: 5. روز بیست و چهار ساعته است. این نوسان نور و تاریکی است که یک دوره بیست و چهار ساعته است. بنابراین در پیدایش 1 برای ما تعریف شده است. سبت - چه مدت در روز سبت استراحت می کنید؟ همچنین یک دوره بیست و چهار ساعته است. آیا سبت خود را در روز شنبه جشن می گیرید؟ شنبه یهودی چه زمانی شروع می شود؟ شنبه جمعه شب با غروب خورشید شروع می شود. آنها جمعه شب شام شنبه می خورند. سپس روز شنبه، شنبه استراحت می کنند. پس شنبه کی به پایان می رسد؟ [دانش آموز: یکشنبه.] نه، شنبه شب. بسیار خوب، از جمعه شب، بعد از غروب خورشید، تا شنبه شب، زمانی که خورشید غروب می کند، ادامه دارد. یهودیان شنبه شب چه می کنند؟ حزب. در اورشلیم خواهید دید که ده هزار یهودی وجود خواهند داشت که در خیابان ها ازدحام می کنند، انواع و اقسام چیزها را می خرند، پیتزا می خورند (پیتزای پیرونی سفارش ندهید، بلکه فقط پیتزا سفارش دهید). دلیلی وجود دارد که چرا این را گفتم. وقتی من در فروشگاه بودم یک نفر یکی سفارش داد، باید دویست نفر آنجا بودند و ساکت شد. آن مرد یک پیتزای پیرونی سفارش داد. اما، شما آن را درک می کنید. ما از آنجا خارج شدیم. ما به وضوح آمریکایی بودیم و من به اندازه کافی می دانستم که وقتی هوا اینطور ساکت می شود از آنجا خارج شوم. اما به هر حال، این تمام چیزی است که من می گویم. شنبه می افتد، اساساً جمعه شب تا شنبه شب. شنبه شب معمولاً زمانی است که آنها بیرون می روند و تفریح می کنند. آیا این یک دوره بیست و چهار ساعته است؟ سبت یهودی به معنای واقعی کلمه یک دوره 24 ساعته است؟ به یاد دارید که خدا در ده فرمان چه گفت؟ "روز سبت را به خاطر بسپارید تا آن را

مقدس نگه دارید." این یک دوره 24 ساعته است. خروج فصل 20 دارای ده فرمان است. بنابراین دوباره، این یک دوره به معنای واقعی کلمه بیست و چهار ساعت است. در اینجا استدلال دیگری وجود دارد: روز به علاوه یک عدد. هر زمان که روز اول، روز دوم، روز سوم را داشته باشید، معمولاً یک دوره بیست و چهار ساعته است. هر زمان که کلمه روز با یک عدد استفاده می شود، معمولاً یک دوره بیست و چهار ساعته در کتاب مقدس است. در کتاب مقدس، حدود چهارصد و نود و نه مورد از این ارجاعات وجود دارد. روزی روزگاری آنها را بررسی کردم و مقاله ای در مورد آن نوشتم. ظاهر سن. از آنجا که زمین بسیار جوان است، شما می گوئید، "اما زمین به نظر می رسد که واقعا بسیار قدیمی است." دکتر فیلیپس دیشب کهکشان هایی را توصیف می کرد که ده میلیارد سال نوری از ما فاصله داشتند. این نور ده میلیارد سال پیش از آن کهکشان ها شروع شد، و اکنون نوری که ما می بینیم واقعا ده میلیارد سال قدمت دارد. این مردم می گفتند، (مردم جوان زمین) "نه، ده میلیارد سال پیش شروع نشده است، خدا نوری را که در راه خود است آفرید. آدم شبیه یک بزرگسال شده بود. بنابراین زمین ظاهری از سن دارد." این چیزی است که دانشمندان می بینند، خدا آن را با ظاهر سن آفرید. آیا این استدلال کسی را آزار می دهد که خدا زمین را با ظاهر سن آفرید؟ آیا خدا مردم را فریب می دهد؟ این سوال جالبی است.

AC. روز نمادین [75:23-73:37]

بعدی نظریه روز نمادین است. این راه دیگری است، نوع دیگری از روز. افرادی هستند که روز نمادین را نگه می دارند و می گویند روزهای پیدایش یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت روز، قرار نیست زمان باشد. آنها قرار است یک چارچوب منطقی یا ادبی باشند که موسی برای توصیف خلقت از آن استفاده می کند. این یک چارچوب منطقی یا ادبی است که موسی برای توصیف آن استفاده می کند. ممکن است خدا نزد موسی آمد و گفت (او در کوه سینا است). "هی موسی، بیدار شو. ای موسی، نور باشد» و موسی نور را می بیند. سپس موسی دوباره به خواب می رود و روز بعد خدا او را تکان می دهد. او می گوید: "هی، موسی، بیدار شو،" او می گوید، "باشه، حالا این را تماشا کن. حالا می خواهم آب های بالا و آب های پایین را از هم جدا کنم.» موسی دوباره به خواب می رود و در روز سوم بیدار می شود: "بسیار خوب، بگذارید زمین ظاهر شود." بنابراین، به عبارت دیگر، این روزهایی است که خدا بر موسی آشکار کرد. این روزهای خلقت واقعی نیست، بلکه روزهایی است که خدا آن را به موسی آشکار می کرد. آیا تفاوت را در آنجا می بینید؟ بنابراین اینها همان چیزی است که ما آن را "روزهای وحی می نامیم"، زیرا خدا هفت روز طول کشید تا آن را به موسی آشکار کند، نه اینکه در ابتدا اینگونه بود. در اینجا راه دیگری برای نگاه کردن به آن وجود دارد. من اغلب فکر می کردم که این یک نوع راه جالب است، که خدا هفت عکس را به موسی نشان داد. موسی در تصویر اول توصیف می کند که خدا گفت بگذار نور وجود داشته باشد. در تصویر دوم، او چیزها را از هم جدا می کند و غیره. این تصاویر به موسی نشان داده می

شود، بصری، در ذهن خود مانند زمانی که پیامبران رؤیا داشتند. خدا در رویاها خلقت را به او نشان می دهد. بنابراین موسی آن را هفت روز توصیف می کند. شاید این یک چارچوب ادبی باشد. آیا این بیشتر یک رویکرد انتزاعی برای خلقت است؟ بله. بقیه به معنای واقعی کلمه بیست و چهار ساعت هستند، این انتزاعی تر است. و روزهای نمادین، برنارد رام این را نگه می دارد. برخی از متفکران انتزاعی تر این را دارند.

AD. نظریه روز-سن [80:00-75:24]

این چیزی است که دکتر پری فیلیپس معتقد است، و این "نظریه عصر روز" نامیده می شود. پری معتقد است که هر یک از روزهای پیدایش اعصار و دوره های زمانی طولانی هستند. کلمه یوم، در عبری، کلمه "روز" است. معانی مختلفی دارد و همیشه بیست و چهار ساعت نیست. به عنوان مثال، اگر از شما بپرسم که روز است یا شب، چه می گوئید؟ من آنقدر در این ساختمان بوده ام که نمی دانم. اگر بگویم روز است یا شب، "روز" در آن زمینه چقدر طول می کشد؟ آیا روز کمتر از بیست و چهار ساعت است؟ شما می گوئید، خوب ما در ماه دسامبر در نیوانگلند زندگی می کنیم، روز فقط پنج دقیقه است. "روز" به عنوان یک دوره نور می تواند متفاوت باشد. دوازده ساعت برای نور روز و دوازده ساعت شب به من فرصت بدهید. سپس "روز" کوتاه تر از بیست و چهار ساعت خواهد بود؟ در مورد روز خداوند چطور؟ روز خداوند، روز آخرالزمانی خداوند چقدر طول می کشد؟ در کتاب مکاشفه شرح داده شده است، روز خداوند هزار سال است [مکاشفه ۲۰]. و سپس اگر به مزامیر 90:4 بروید، می گوید: "یک روز نزد خداوند مانند هزار سال و هزار سال مانند یک روز است." همه شما این را می دانید زیرا روز گراندهاگ را دیده اید. یک روز مانند هزار سال است. این همان روز است، هر روز پس از روز پس از روز. یک روز به اندازه هزار سال است، هزار سال مانند یک روز است. وقتی با خدای ابدی بی نهایت هستید، هزار سال چیست؟ هیچ چیز نیست. بنابراین، "یک روز" برای مدت زمان طولانی استفاده می شود. این یکی دیگر است: این زمان زندگی یک فرد است. اگر به شما بگویم، "در زمان پدرم"، چقدر طول می کشد؟ آیا این یک دوره هفتاد و شش ساله از حدود سال 1927 تا 2004 خواهد بود؟ بسیار خوب، پس در زمان پدرم، این در زمان زندگی او بود. "روز" (یوم) به معنای چیزهای زیادی است. در انگلیسی به معنای چیزهای زیادی است و در زبان عبری به معنای چیزهای زیادی است. به هر حال، خورشید تا روز چهارم ساخته نشده بود. آیا سه روز اول روزهای خورشیدی است؟ آنها نمی توانند روزهای خورشیدی باشند زیرا خورشید وجود ندارد، خورشید وجود ندارد. خورشید رفته است، خورشید تا روز چهارم وارد نمی شود. بنابراین سه روز اول به هر حال نمی تواند روزهای خورشیدی باشد. حالا، به هر حال، آیا نظریه سن روز میلیاردها سال اجازه می دهد؟ بله، همینطور است. پس این احتمالاً قوی ترین استدلال است. در روز ششم کار زیادی وجود دارد. آیا خدا می تواند کارها را فوراً انجام دهد؟ اما در مورد انسان چطور؟ او در روز ششم انسان را از خاک روی زمین می سازد و سپس همه حیوانات را نزد آدم می آورد. آیا آدم باید همه حیوانات را نام ببرد؟ آیا نام بردن از همه حیوانات جهان

زمان می برد؟ سپس، به هر حال، بعد از اینکه همه حیوانات را نام می برد، آدم باید احساس تنهایی کند. سپس، بعد از آن، چه اتفاقی می افتد؟ در همان روز، حوا از دنده پهلویش تشکیل می شود. آیا این کار در یک بیست و چهار ساعت در روز زیاد است؟ اکنون خدا می تواند واقعا سریع خلق کند، اما آیا انسان زمان می برد؟ بنابراین در روز ششم چیزهای زیادی وجود دارد. این سه رویکرد هستند. روزهای واقعی، روز اول، روز دوم، روز سوم، جایی که آنها در روز 24 ساعته واقعی هستند. این افراد خلقت گرایان زمین جوان هستند، زمین برای آنها حدود بیست هزار سال قدمت دارد. عصر روز - آیا این اجازه می دهد تا یک جهان سیزده و هفت میلیارد ساله وجود داشته باشد که علم بتواند تا حد زیادی با آن موافق باشد؟ بله. سخنرانی تنوری بیگ بنگ توسط پری فیلیپس تا جمعه در وب خواهم داشت. روزهای نمادین، آیا این اجازه می دهد تا میلیاردها سال نیز وجود داشته باشد؟ بله. حال سوال این است که و نکته همه اینها این است: کتاب مقدس می گوید زمین چند ساله است؟ نمی گوید. آیا این حدس از طرف همه است؟ شما چند نفر از افراد زمین جوان خواهید داشت، چند نفر از مردم زمین کهن خواهید داشت، و تنها چیزی که می گویم این است: بر سر این چیزها دعوا نکنید. کتاب مقدس واقعا نمی گوید. مردم نظرات متفاوتی دارند، اشکالی ندارد که نظرات متفاوتی در این مورد داشته باشیم. ماژور در رشته های اصلی، جزئی در خردسالان. تاریخ زمین - ما نمی دانیم. کتاب مقدس نمی گوید. بنابراین، مراقب باشید! سه شنبه شما را خواهیم دید.

این دکتر تد هیلدبرانت در سخنرانی پنجم در مورد دوره تاریخ، ادبیات و الهیات عهد عتیق است. سخنرانی امروز در مورد پیدایش فصل اول، آیات 1: 1 و 2: 1 و سپس بحث در مورد روزهای پیدایش خواهد بود. دکتر تد هیلدبرانت.

رونویسی شده توسط لیبی ویلسون خشن ویرایش شده توسط تد هیلدبرانت 2